

(بخش اول)

## اصول و مبانی خلاقیت در مدیریت شهری

عبدالرضا کردی  
عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی با انشگاه تهران  
مدیر مرکز خدمات تخصصی توسعه خلاقیت

می‌توانند به علوم شهری دسترسی داشته باشند. به این ترتیب، فاصله شناختی مدیران شهری و تولیدکنندگان علوم شهری باعث شکاف شناخت‌شناسی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در کشور می‌گردد. این خلاء به این دلیل به وجود می‌آید که در برنامه‌های توسعه کشور، مدیریت شهری به عنوان محوری اساسی و استراتژیک در اقتصاد ملی مورد توجه قرار نگرفته است. زیرا فقدان مدیریت شهری خلاق تنها باعث تخریب فضای عمومی شهر و یا به هدر رفتن بودجه ناشی از عوارض شهروندان نمی‌شود، بلکه فرهنگ مصرف‌ساکتبان شهر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی آنها مشاهده می‌کنند که ساختمانی ساخته می‌شود بدون آنکه توجه علمی داشته باشد و یا فضای فرهنگی تأسیس می‌گردد بدون آنکه رابطه فرهنگی لازم و پاسخگو را با زندگی فرهنگی شهروندان داشته باشد یا جشنواره‌ای طراحی می‌شود بدون آنکه به نیاز مخاطب توجه گردد یا در منطقه شهری هزینه‌ای برای دوچرخه‌سواری صرف می‌شود، بدون آنکه شیب خیابان‌های آن منطقه اجازه حرکت سالم را به دوچرخه‌سوار بدهد، در حقیقت در حال آموزش نادرست برنامه‌ریزی کردن، نادرست خرج کردن و نادرست زیستن است. پس فرهنگ زیستی و اجتماعی خود را از دست می‌دهد.

حال آنکه مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای محترم دومین شورای شهر تهران (مهندس چمران و همکاران) امانتداری در فرهنگ مردم، امانتداری در رأی مردم و امانتداری در اخلاق مردم را به عنوان رویکردی ضروری و زیربنایی مورد سفارش قرار دادند. پس یک اصل در مدیریت شهری خلاق این است که بایستی دانش خلاقیت و دانش مدیریت شهری داشته باشیم و از ترکیب این دو دانش به دانش نوینی به نام مدیریت شهری خلاق برسیم. بر اساس وظیفه محوله برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تولید دانش از رسالت‌های دانشگاه است، ولی نهضت ترجمه در مدیریت شهری در حال حاضر مانع بزرگی بر سر راه تولید دانش مدیریت شهری خلاق می‌باشد. پس گام اول حرکت اصولی و مبنایی خلاقیت در مدیریت شهری به تولید علم مدیریت شهری بر اساس رهنمود مقام معظم رهبری در نهضت تولید علم برمی‌گردد.

کتاب شهر فردا، تألیف کنت پاول و ترجمه دکتر علی اشرفی، را که یکی از تولیدات علمی ترجمه‌شده انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور است مطالعه می‌کردم. به عنوان یک محقق تلاش نمودم تا

سابقه علم مدیریت شهری به پیدایش شهر و ضرورت تدوین اصول و مقررات و قوانین زیستن انسان‌ها در کالبد زیستی روانی و اجتماعی شهروندی برمی‌گردد. ولی سطح پاسخگویی و توانایی حل مسائل شهری بسته به میزان خلاقیت و بهره‌مندی مدیران شهری است؛ به همین علت از زمان صدور مجوز مرکز خدمات تخصصی توسعه خلاقیت، به عنوان مدیر آن مجموعه و رئیس شورای علمی مرکز، ضرورت تدوین منابع علمی و تولید علم مدیریت خلاق شهری را سرلوحه کار خود و همکاران قرار داده و در این راستا تلاش علمی و تحقیقاتی زیادی را صرف داشته‌ام. در همین راستا دوره‌های آموزش حضوری و غیرحضوری مدیریت خلاق شهری برای معاونت آموزشی جهاد دانشگاهی واحد تهران به عنوان یک پروژه مطالعاتی علمی - کاربردی و کیفیت بخش مدیریت شهری مورد توجه قرار گرفته است. نکته اصلی مدیریت خلاق شهری، در اصول و مبانی خلاقیت در مدیریت شهری می‌باشد، زیرا مجموعه قوانین شهرداری‌ها پیوسته پس از سال‌ها درگیری و صرف انرژی زیاد مدیریت شهری به تناسب تحولات شهری مورد عنایت و توجه قرار گرفته و به عنوان ابزار کارآمد مدیریت شهری متناسب با رویدادها و نیازهای روز و رشد شهر و فرایندهای شهری بازنگری، اصلاح و تدوین مجدد شده است. مقاله‌ای از خانم زهره خوش‌نمک تحت عنوان بی‌قانونی در طراحی شهری (افسردگی بر شهرهای ما حکومت می‌کند) به نقد بنیادهای شهری در زندگی شهری می‌پردازد؛ بدون اینکه به چه بنیادهای شهری توجه روشن و کاربردی داشته باشد.

همین نگارش نشان می‌دهد که تفکر نقاد و خلاق را با نقادی غیر خلاق مدیریت شهری اشتباه گرفته‌ام. به همین دلیل نگارنده با نگارش و توجه غیر خلاق به مدیریت شهری تنها عنوان می‌کند که شهردار باید، مدیریت شهری باید، فضای شهری باید، ولی طرحی برای اجرای این بایدها اعلام نمی‌کند. زیرا در کشوری که درصد رشد جمعیت را شهرنشینان به خود اختصاص می‌دهند، هیچ دانشگاه خاص یا مستقلی وظیفه علوم شهروندی را به عهده ندارد. پس تا زمانی که تولید علم مدیریت شهری، اقتصاد شهری، برنامه‌ریزی شهری، فرهنگ شهری، حمل و نقل شهری، زیباسازی شهری و غیره صورت نپذیرد، مدیران شهری تنها به صورت فردی و یا پراکنده



ارتباطی شهروندی و پژوهشی با این کتاب برقرار کنیم، اما دریافتیم که کتاب برای شهرهایی نوشته شده است که من در آنها زندگی نمی‌کنم. شاید یک خیابان یا محله یا ناحیه شهری را بتوانیم با مفاهیم این کتاب شبیه‌سازی کنیم، ولی چیزی که می‌تواند خیلی برای شهر امروز من نه شهر فردای کنت پاول مطرح باشد یکسری مشکلات اساسی است که بایستی از طریق تکنیک حل مسأله به آنها بپردازیم. گرچه شهرداری تهران هم در همایش بین‌المللی حل مسأله شرکت کرده بود، ولی فرایند حل مسأله شهری را بایستی به عنوان یک تخصص به حریم مدیریت شهری شهرداری، طراحی شهری، مدیریت خلاق شهری، فرهنگ شهری و برنامه‌ریزی استراتژیک و زندگی شهری وارد کنیم. به همین علت این سلسله مقالات (خلاصیت در مدیریت شهری) را با همکاری اعضای شورای علمی مرکز خدمات تخصصی توسعه خلاصیت تدوین و در اختیار خوانندگان پژوهنده نشریه علمی - تخصصی شهرداری‌ها قرار می‌دهیم تا خودمان یک منتقد غیرپاسخگو نباشیم. زیرا ما در دانشگاه‌های کشور به عنوان جهادگر علمی وظیفه داریم به رویکردهای پرداخته نشده بیشتر بپردازیم و وظیفه پاسخگویی علمی خود را صحیح انجام دهیم. برای آنکه نگاه مبنایی خود را از خلاصیت به مدیریت شهری خلاق انتقال دهیم بایستی با تعدادی از صاحب‌نظران خلاصیت و نظرات آنان آشنا شویم. لوتانز (۱۹۹۲) در این باره چنین می‌گوید: "خلاصیت عبارت است از تلفیقی از اندیشه و رهیافت‌های افراد یا گروه‌ها با روشی جدید".

رایینز (۱۹۹۲) محقق دیگری در علوم خلاصیت اعتقاد دارد که خلاصیت به معنای توانایی ترکیب ایده‌ها در یک روش منحصر به فرد و ایجاد پیوستگی بین ایده‌هاست. ولی تنها حفظ کردن این تعاریف اهمیت ندارد، زیرا مدیریت شهری برای آنکه خلاق باشد بایستی ضمن ارتقای دانش خلاصیت خود در حوزه مدیریت شهری، فهم خلاقانه‌ای نیز از شهر، رشد شهری، حیات شهری، تفاوت شهرنشین و شهروند، و ضرورت پرداختن به مدیریت شهری خلاق داشته باشد. در چنین شرایطی می‌تواند مدیریت شهری خلاق داشته و توان تجزیه و تحلیل خلاقانه مسائل شهری را به دست بیاورد. به این ترتیب، در ایده‌یابی، ایده‌پذیری و ارتباط با شهروندان خود نیز رویکردی خلاق و مبتکرانه خواهد داشت.

با این مقدمه از نگاه لوتانز (۱۹۹۲) و خودمان اگر بخواهیم خلاصیت در مدیریت شهری را مجدداً تعریف کنیم بایستی بگوییم: خلاصیت در مدیریت شهری عبارت است از تلفیق اندیشه و رهیافت‌های صاحب‌نظران مدیریت شهری مدرن با مبانی و ارزش‌های بومی و روشی نو در بررسی مسائل و مشکلات شهری و راه‌گشایی برای آنها به صورتی بدیع و تازه. شاید خود لوتانز هم احساس کند که ما در ابعادی از این تعریف با او تفاوت و حتی فاصله شناختی داریم. ولی ما تا کی می‌توانیم شهر خود را از نگاه شهروندان ناآشنا به زندگی شهری ما بررسی کنیم. اما ترکیب اندیشه خود با اندیشه‌های نوین جهانی مشروط بر آنکه به اصلت‌ها و داشته‌های ما صدمه نزنند می‌تواند خلاصیت در تولید علوم شهری و پاسخگویی نیازهای مان

باشد. در نگاه رایینز (۱۹۹۲)، اگر بخواهیم با اندیشه خودمان ترکیب کنیم نیز، خلاصیت در مدیریت شهری را بایستی به معنای توانایی ترکیب ایده‌های معماری، شهرسازی، رفتارسازی، فرهنگ‌سازی و زیباسازی شهری را در یک روش منحصر به فرد مدیریتی و مبتنی بر ایجاد پیوستگی بین ایده برای تحقق شهری یکپارچه، هماهنگ، همسو و دارای تعادل رشد رفتار انسانی - اجتماعی در نظر گرفت. ولی باز فراموش نکنید به جای اینکه ما اندیشه خود را شبیه اندیشه‌های لوتانز و رایینز کنیم در اصل اندیشه‌های آنان را با اصول و مبنای خودمان بومی سازی کرده‌ایم.

درست به عکس این اندیشه در شماره ۳۰ فصلنامه شهرداری‌ها، آبان ۱۳۸۰، شماره ویژه گفت و گو و تعامل در شهر را دقیقاً تحلیل محتوایی نموده و عناصر زیر را استخراج نمودهایم:

- ۱- فضای کالبدی و گفت و گو در شهر
- ۲- فرصت گفت و گوی شهروند با مدیریت شهری
- ۳- فرصت گفت و گوی شهروند با شهروندان
- ۴- ترافیک و فضای گفت و گوی شهروندی
- ۵- فضاهای گفت و گو در رُم و یونان باستان
- ۶- گفت و گو در آمفی‌تئاتر، سالن‌های اجتماعات، مدرسه و حتی کاروانسراها
- ۷- پیاده‌روها و گفت و گوی شهروندی
- ۸- پارک و گفت‌وگوی شهروندی
- ۹- میدان‌های عمومی فرانسه، فضایی مناسب برای گفت و گو
- ۱۰- اینترنت، فضایی مناسب برای گفت و گو
- ۱۱- کافه‌گالری، فضایی برای گفت و گوی هنرمندان

جای بسی تعجب بود که محورهای زیر کاملاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته و هیچ صحبتی از آن نشده بود به طوری که خواننده به فکر فرو می‌رفت:

آیا مسجد جای مقدسی برای گفت و گوی بنده با خداوند، انسان با انسان و مدیران با شهروندان نیست؟! در حالی که در زمان مدیریت شهری دکتر احمدی‌نژاد این خلاصیت صورت گرفت که مساجد مکانی برای ارتباط مستقیم شهروند با مدیریت شهری محسوب گردد.

در این نگارش مکان‌های عمومی چون حسینیه، تکایای مذهبی، سقاخانه‌ها، تزییه‌خوانی و بسیاری از مکان‌های گفت و گوی سنتی نادیده گرفته شده بود. پس خلاصیت در مدیریت شهری در نگاه اول نیازمند جسارت پرداختن به مواردی است که همه آنها را بعید می‌دانند. زیرا در همان شماره می‌بینیم که فرایند درست و سالم نگرستن به مسائل شهری جای ایهام دارد:

- ۱- شهرسازی ما نشان می‌دهد که ایران تقریباً فاقد فضاهای عمومی گفت و گو بوده است (ص ۹، شماره ۳۵).
- ۲- تا پیش از دوران صفویه حدود ۸۰۰ سال حکومت ترک و عرب بر سر ما بوده است و مردم با آنها هیچ‌گونه ارتباط و پیوندی نداشته‌اند (ص ۹، شماره ۳۵).



- ۱) خوش‌نمک، زهره. بی‌قانونی در طراحی شهری (افسردگی به شهرهای ما حکومت می‌کند) ماهنامه شهرداری‌ها، سال دوم، شماره ۲۴، اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۶۹-۷۳.
- ۲) شماره ویژه گفت و گو و تعامل در شهر، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۰، سال سوم، آبان ۱۳۸۰.
- ۳) کردی، عبدالرضا. مبانی تواندیشی، نوآوری و خلاصیت، دفتر آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش، انتشارات پیشگامان تربیت، ۱۳۷۹.
- ۴) کردی، عبدالرضا. تربیت خلاق، انتشارات سپهر، ۱۳۸۲.
- ۵) ریچارد چانگ و کیت کلی، آموزش تفکر و حل مسأله در کار، ترجمه پرویز امینی، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۹.